

تأثیر توانمند سازی زنان بر توسعه روستایی در ایران

الهه کولایی^۱

ابراهیم طاهری^۲

چکیده

زنان در فرایند توسعه همه کشورها نقشی مهم و تأثیر گذار دارند. هدف اصلی این نوشتار بررسی تأثیر توانمندی زنان بر توسعه روستایی در ایران است. توانمندی زنان خود شامل سه شاخص از نظر اقتصادی تولیدی، از نظر اجتماعی فعال و از نظر سیاسی مشارکت کننده ای آگاه است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار انجام آن پرسش نامه بوده است. جامعه آماری عبارت است از گروه زنان فعال جمعیتی ۱۸ تا ۴۵ سال مناطق روستایی شهرستان مرودشت از توابع استان فارس. با توجه به آزمون آماری کرباخ و میزان اعتبار حاصل از پرسشنامه، نتایج این مطالعه نشان می دهد هرچه زنان توانمند تر می شوند، بر میزان مولد بودن، مشارکت سیاسی آنها و همچنین نقش اجتماعی آنها افزوده می شود. این خود مستلزم بالا بردن سطح آموزش و تحصیلات زنان است که نیاز به مدیریتی با جهت گیری مثبت در مورد آموزش آنان در این زمینه آشکار است.

کلید واژه ها: زنان، توانمندی، توسعه روستایی، تولیدی کردن، فعال اجتماعی، مشارکت کننده سیاسی

دریافت: ۸۹/۱۰/۱۶ پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۵

مقدمه و بیان مسأله

تجارب به دست آمده از رویکردهای مختلف توسعه در دهه های گذشته بیانگر آن است، که درون زا بودن توسعه، اتکا به منابع خودی، استفاده بهینه از منابع مختلف، توازن و تعادل در توسعه از عوامل اصلی دوام آن به شمار می آیند. توسعه روستایی به عنوان هدف توسعه و یا راهبرد دستیابی به آن در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه که بخش زیادی از جمعیت آنها در روستاها زندگی می کنند، مورد تأکید برنامه ریزان این کشورها قرار گرفته است. البته این نوع از توسعه نیازمند روش شناسی ویژه ای است که کشوری با کشور دیگر تفاوت دارد و باید در چارچوب نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور تعیین شود.

^۱. استاد گروه مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران

^۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای

اهمیت توسعه روستایی در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل نقش مهم نواحی روستایی در اقتصاد آنها است. به طور کلی توسعه روستایی به عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاییان در نظر گرفته شده است. توسعه مناطق روستایی ایران یکی از محورهای اصلی سیاست دولت بعد از انقلاب بوده و در بیشتر موارد این موضوع به عنوان محور سیاست های توسعه ای تلقی شده است. این مسئله وقتی بیشتر ضرورت می یابد که نتایج عدم موفقیت سیاست های توسعه ای قبل از انقلاب، در حل دشواری توسعه نیافتگی روستایی را بیش از پیش درک کنیم (شکوری، ۱۳۸۰: ۵۶).

انسان ها مهم ترین عامل توسعه اند. در این میان زنان نیمی از منابع انسانی هر جامعه ای را تشکیل می دهند. بنابراین، برنامه-ریزی اصولی برای آنها باید از بنیادهای مهم هر جامعه ای باشد، به ویژه اینکه در نظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان تولید کننده، چه به عنوان خدمت رسان و یا حتی مصرف کننده، در تعادل و توازن توسعه نقش اساسی دارد (علی بیگی، ۱۳۸۶: ۹۰). در واقع این نکته توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است که در الگوی توسعه در کشورهای غربی به طور معمول فرایند نوسازی و حرکت در جهت پیشرفت مادی و فکری، با ورود هرچه گسترده تر زنان به حوزه های عمومی همراه بوده و سهم آنان برای تصمیم در حوزه های گوناگون افزایش پیدا کرده است (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۱: ۱).

در همین زمینه از اوائل دهه ۱۹۷۰، توجه به نقش زنان در توسعه مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع نیز ناشی از دو واقعیت مهم بوده است:

۱. تحقق نیافتن کلی نظریه های توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم،
 ۲. وضعیت نامطلوب اجتماعی - اقتصادی زنان در این کشورها.
- واقعیت این است که نوسازی و توسعه دستاوردهای نامتعادلی را برای مردان و زنان کشورهای در حال توسعه داشته است، به گونه ای که مردان بهره وران و زنان قربانیان این فرایند بوده اند. درک مسائل فوق از سوی کارگزاران ملی و بین المللی توجه آنها را به نقش زنان در توسعه معطوف کرد. نتیجه آن بود که با وجود طرح رهیافت های مختلف، برابری زنان و مردان در فرایند و نتایج توسعه جزء جدایی ناپذیر توسعه شد (مصفا، ۱۳۷۲: ۳۷۲).

از دیدگاه اقتصادی، توانمندسازی زنان به منظور گسترش کنترل آنان بر کل فرایندهای اقتصادی است نه تنها اجرای برخی امور تولیدی است. بر این اساس زنان باید امکان پرورش، استفاده از خلاقیت ها و توانایی های خود را داشته باشند (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۶). حال، با توجه به مفروضات مورد اشاره این سوال اساسی مطرح می شود که عوامل اصلی توسعه روستایی کدام هستند؟ آیا توانمندی زنان می تواند به عنوان یکی از دو ستون توسعه روستایی عمل کند؟ نقش آموزش و سیاست گذاری های دولتی در این فرایند چقدر است؟

فرضیه این نوشتار آن است که هرچه زنان توانمندتر شوند، بر میزان نقش آنان در توسعه روستایی افزوده خواهد شد و زنان می توانند در آینده نقش موثرتری در کنار مردان، در توسعه روستایی ایفا کنند. البته نقش آموزش در توانمندی زنان که از کارویژه های اصلی سیاست گذاری دولتی است از مباحث بسیار مهم در این زمینه به شمار می آید. پس:

۱. تولیدی کردن زنان یکی از پایه های اصلی توسعه روستایی است.
۲. مشارکت آگاهانه و همراه با مسئولیت زنان، از پایه های اصلی توسعه در روستا به شمار می آید.

۳. فعالیت اجتماعی زنان از پایه های اصلی توسعه روستایی است.

البته نویسندگان این نوشتار، در پی بررسی تاثیر متغیر مستقل یعنی توانمندسازی زنان که خود شامل سه شاخص عام از نظر اقتصادی تولیدی، از نظر سیاسی مشارکت کننده ای آگاه و از لحاظ اجتماعی فعال بر توسعه روستایی در ایران هستند. منظور از زنان در این پژوهش همه زنان و نه گروه ویژه ای از آنان است. در مورد موضوع این نوشتار مطالب متنوعی وجود دارد، ولی تمرکز آن بر مطالعه مشخص مورد نظر نویسندگان ابتکاری است. هادی ویسی و محمد بادیارد مقاله ای تحت عنوان " بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان"، به بررسی نقش اجتماعی زنان روستایی پرداخته اند و این کار را بر اساس چهار نقش راهبردی، نفوذی، کمکی و عادی، مدنظر قرار داده اند. آنها نتیجه گیری می کنند که ویژگی های خانوادگی، مهم ترین تاثیر را در نقش هایی که زنان ایفاء می کنند، دارند. ولی این پژوهش تنها به یک بعد توسعه، آن هم جنبه اجتماعی توسعه توجه کرده و به ابعاد اقتصادی و سیاسی توسعه نپرداخته است (ویسی و بادیارد، ۱۳۸۴).

منصوره وثوقی به همراه افسانه وثوقی آقابین در مقاله ای تحت عنوان "پژوهشی جامعه شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند، شهرستان میانه"، به بررسی مشارکت اجتماعی زنان در این روستا پرداخته اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که زنان در این روستا مشارکت اجتماعی پایینی دارند و فقط ۴ درصد از آنان مشارکت اجتماعی بالایی برخوردار هستند. این پژوهش نیز مانند پژوهش پیشین فقط به یک بعد از ابعاد توسعه توجه کرده است و به ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه نپرداخته است (وثوقی، یوسفی آقابین، ۱۳۸۴). عباس محمدی اصل در مقاله ای با عنوان "موانع مشارکت زنان در ایران پس از انقلاب"، به بررسی عواملی که می تواند به عنوان موانع مشارکت سیاسی زنان عمل کنند، پرداخته است. او مهم ترین عامل را نظام مردسالار معرفی کرده است که به کنترل و غیرفعال نگه داشتن شکاف جنسیتی منجر می شود. این پژوهش نیز مانند پژوهش های یاد شده، توسعه را از یک منظر و آن هم مشارکت سیاسی مورد توجه قرار داده و به وجه دیگر توسعه یعنی ابعاد اقتصادی و سیاسی توسعه نپرداخته است (محمدی اصل، ۱۳۸۲).

امیر حسین علی بیگی در مقاله ای با عنوان "تحلیل جنسیتی فعالیت های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه هایی برای عاملان توسعه اقتصادی"، به بررسی نقش جنسیت در فعالیت های کشاورزی استان کرمانشاه پرداخته است. او میزان مشارکت زنان مختلف را در عرصه هایی چون دامداری به صورت جداگانه و بر اساس سن بررسی کرده است. البته این پژوهش نیز تک بعدی است و به یک بعد توسعه آنهم بعد اقتصادی توسعه و حضور زنان در فعالیت های کشاورزی توجه کرده و به حضور زنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی نپرداخته است (علی بیگی، ۱۳۸۶).

فضیله دادورخانی در مقاله ای تحت عنوان "توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان"، به بررسی این مسئله پرداخته است که چرا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شده است و زنان روستایی تولید کننده پیشین، به زنان خانه دار مصرف کننده تبدیل شده اند. این دگرگونی نه تنها پیامدهای منفی برای اقتصاد روستایی در بر داشته، در عمل قشر فعال عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده است. از نظر او، عوامل ایجاد کننده این وضعیت در خانواده، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای اجتماعی نهفته است. البته این پژوهش نیز به مسئله اشتغال زنان از دیدگاه اجتماعی توجه کرده و به چالش های اشتغال زنان از جنبه اقتصادی و سیاسی توجه نکرده است (دادورخانی، ۱۳۸۵). عزت الله سام آرام در مقاله دیگری با عنوان "بهره مندی روستاییان از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی"، به نقش عوامل مهم فرهنگی در توسعه روستاها پرداخته است. او فعالیت رسانه ها از جمله

مطبوعات را در این زمینه مهم دانسته و بر عواملی مانند شغل و میزان ارتباط با شهرها هم توجه کرده است. این پژوهش نیز فقط به بعد اجتماعی توسعه پرداخته و سایر ابعاد آن، مانند ابعاد اقتصادی و سیاسی توسعه را مورد توجه قرار نداده است (سام آرام، ۱۳۸۲).

بنا بر نکات پیش گفته شده، هدف این نوشتار ارائه تصویری جامع تر از نقش زنان در توسعه روستایی، با تمرکز بر مطالعه روستاهای مورد بررسی بوده است. مرور پژوهش های مورد اشاره نشان از آن دارد که همگی بیشتر به یک بعد از ابعاد توسعه توجه داشته اند. در واقع، این نوشتار در پی آن است که با پرهیز از رویکرد تک بعدی، نتایج مطالعات انجام شده را ارائه کند. بر این اساس هدف کلی نویسندگان، بررسی تاثیر توانمندی زنان بر توسعه روستایی شهرستان مرودشت در استان فارس، است که دستیابی به این هدف کلی، مستلزم رسیدن به اهداف زیر بوده است:

- تعیین میزان تولیدی بودن زنان (مشارکت در فرایندهای تولیدی) بر اساس شاخص هایی چون میزان مهارت در امور کشاورزی، دامداری، امور صنعتی و همچنین توانایی هایی مانند چگونه پس انداز کردن، محاسبه سود و هزینه و چگونگی تامین اعتبارها و سرمایه است،
- میزان مشارکت سیاسی بر اساس رفتارهایی مانند رای دادن یا ندادن و دلایل آن مورد توجه است،
- تعیین میزان فعالیت اجتماعی زنان بر اساس وجود تشکل های ویژه در روستاها و اینکه آیا عضو هستند یا نه؟
- و اینکه به رسانه های ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون و اینترنت و مانند آن، دسترسی دارند یا نه؟

مبانی نظری پژوهش

الف - انسان توانمند

امروزه این فرض مهم مطرح است که چنانچه سیاست گذاری های عمومی در کشورهای در حال توسعه به توانایی فردی کمک کند، امکان استفاده از فرصت هایی که یکپارچه شدن جهانی به وجود می آورد، فراهم می شود. به عبارت دیگر امکان یکپارچه شدن کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، از راه سیاست گذاری های عمومی که به توانایی فردی کمک می کند، برآورده می شود. نقش سیاست گذاری های عمومی در این زمینه آن است که با کمک به فرایند توانمندسازی، افراد جامعه را قادر سازد، آنچه را که در گذشته نمی توانستند انجام دهند، اجرایی سازند. در واقع سبب شود شخصی به بارآید که از نظر اقتصادی "تولیدی"، از نظر اجتماعی "فعال" و از نظر سیاسی "مشارکت کننده ای مسئول" باشد. اگر سیاست های دولت، توانایی افراد جامعه را در بهره گیری از فرصت هایی که جهانی شدن در اختیار آنها قرار می دهد، افزایش ندهد، در فرایند تغییر به دلیل نداشتن کمترین میزان معیشت، نبود شبکه اطلاع رسانی، نبود مشارکت سیاسی در جهت حفظ و تامین منافع و از دست دادن فرصت های اقتصادی و اجتماعی تامین موقعیت اجتماعی، درصد قابل توجهی از شهروندان کشورهای در حال توسعه محرومیت های اجتماعی را تجربه خواهند کرد. در نتیجه به کارگیری روشی میان بر، دست کم در کوتاه مدت و میان مدت معنی پیدا می کند، که به صورت سازوکار ماشه ای عمل کرده، بخش های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی زندگی شهروندان را در آینده تحت تاثیر قرار دهد (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

به نظر می رسد در ایران آن دسته از سیاست های دولت که به ایجاد فرصت های آموزشی و اشتغال، افزایش موقعیت زنان و فراهم کردن شرایط مشارکت سیاسی معنی دار کمک کند، بر توانایی های فردی اثر مثبت دارد و برای محرومیت اجتماعی مانع

می آفریند (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۵۷). باربارا کروایک شانک (Cruikshank) واژه تواناسازی با عنوان تکنولوژی شهروند سازی، به مفهوم استراتژیکی که افراد جامعه را از شهروندانی بی قدرت و منفعل به شهروندانی فعال تبدیل می کند، تعریف کرده است. او لازمه آن را آگاهی از ضعف و ناتوانی و عوامل چنین ناتوانی و اقدام هایی که بتواند چنین شرایطی را تغییر دهد، می داند (Cruikshank, 1995, pp31). آنچه که در این فرایند مهم است نقش دولتی متعهد است که بتواند نقش خود را به خوبی در موضوع آموزش افراد ایفا کند و توسعه انسانی را در اولویت قرار دهد. توسعه انسانی به تعبیری عبارت است از گسترش انتخاب های بشر با گسترش ظرفیت ذهنی و عملکردی انسان، که این توانایی را به زنان می دهد که انتخاب های موثری در حوزه زندگی بهتر، رشد اقتصادی، عزت نفس، بالا بردن درآمد و منابع بهتر برای زندگی بهتر و مانند آن پیدا کنند. این فرایند باید دست کم محیط مساعدی برای زنان فراهم آورد تا بتوانند به صورت فردی و گروهی برای توسعه قابلیت های خود گام بردارند (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶).

به عقیده گومینگ مردم توانا به نقاط ضعف خود کاملاً آگاهی دارند، اهداف خود را به خوبی تشخیص می دهند و در مورد قابلیت خویش در رسیدن به اهداف بلند مدت خوش بینانه می اندیشند. بنابراین درباره قابلیت انجام کارها، کنترل و انتخاب در مورد حوادث زندگی خویش احساس قوت دارند (شیرخانی، ۱۳۸۱: ۱۳۸). هدف اصلی برنامه های توسعه باید شکوفا کردن توانمندی- های انسانها و عملی ساختن استعداد های نهفته آنها باشد. در واقع، باید ظرفیت آحاد مردم برای ایجاد و مصرف ثروت به صورت ماندگار تقویت شود و به تقویت بهره برداری از انرژی جسمی و فکری برای ارتقای توسعه، پایدار بپردازد (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۴۵). فرگوسن، هدف از توانایی را با تأکید بر همکاری میان انسان ها مورد توجه قرار می دهد. او با به کارگیری تصویرها در گسترش ظرفیت ها و افزایش قابلیت ها، سعی می کند افراد را به مشارکت و بازیگری فعال در جهت تعمیق زندگی جمعی ترغیب کند. به نظر او قدرت قابل تبدیل به توانایی است، مشروط بر آنکه دولت ها بتوانند شرایطی را برای رشد ظرفیت مردم جهت ایجاد رابطه متقابل فراهم آورند و تماس بین شهروندان را جهت افزایش اعتماد به نفس تسهیل کنند. البته موفقیت دولت ها به ایجاد ساختارهای لازم برای روابط جمعی و تشکیلات مورد نیاز مشارکت برای ایجاد و حفظ توانایی بستگی دارد. به هر حال، سیاست مشارکت عمومی، پیش شرط تحقق توانمندسازی افراد به شمار می آید. بر اساس دیدگاه هلپمن، سیاست گذاری های عمومی می تواند میزان رشد اقتصادی و مشارکت اجتماعی را به گونه ای چشمگیر افزایش دهد و موجب پیشرفت های فنی شود (Ferguson, 1967: 221).

در واقع، سیاست های صنعتی و دولتی مناسب می تواند با صرف هزینه برای ایجاد دانش، پژوهش، توسعه، تحصیل و آموزش سرمایه های انسانی، سرعت نوآوری و در نتیجه رشد اقتصادی را افزایش دهند. در نظریه های جدید توسعه بر سرمایه های انسانی به عنوان کلید رشد اقتصادی تأکید می شود. بر این اساس برتری کشوری بر کشور دیگر از نظر سرمایه انسانی موجب بروز تفاوت دائمی در سطح درآمد دو کشور می شود. بر این اساس، کشورهایی ثروتمند خواهند شد که در زمینه امور انسانی سرمایه گذاری کنند. کشورهایی فقیر اگر در زمینه سرمایه انسانی سرمایه گذاری نکنند، قادر به از میان بردن آثار و عوارض عقب ماندگی نخواهند بود. مک کلند معتقد است که سرمایه گذاران نباید تنها به سرمایه گذاری در زیر ساخت های تولیدی اکتفا کنند، بلکه باید به سرمایه گذاری روی عوامل انسانی نیز اهمیت دهند. او معتقد است برای تحقق توسعه اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته، باید انگیزه پیشرفت را در میان کارفرمایان و مدیران صنعتی این کشورها تقویت کرد. این خود می تواند به مردم این کشورها در دستیابی به انگیزه پیشرفت کمک شایانی کند (ی. سوی، ۱۳۸۱: ۴۸).

دیدگاه توانایی، توانمندسازی را مرکز و مبنای امتیاز تغییرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار می دهد. به عبارت دیگر اگر فرایند توانمندسازی موفقیت آمیز باشد، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشتر، نتایج جانبی آن خواهد بود. پس باید هدف دولت این باشد که افراد فاقد توانایی را در فرایند سیاستگذاری عمومی به افراد مولد، فعال و مشارکت کننده در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل کند، تا آنها بتوانند برای جامعه خویش فردی مفید باشند (Cruikshank, 1991: 493). نظریه تواناسازی، زنان را به کنترل بیشتر بر جنبه های زندگی خود تشویق می کند. همچنین مشارکت مستقیم در حیات اجتماعی جامعه و توسعه یک کشور، نیز به عنوان ابزار تواناسازی زنان مطرح می شود. این نظریه با توجه به نتایج نامطلوب و نارسایی های پیشین الگوهای توسعه، که نتایج مثبتی برای زنان در پی نداشته است، می خواهد دگرگونی موثری ایجاد شود و زنان از قربانیان فرایند توسعه و عناصر منفعل، به بازیگران مستقل و توانا تبدیل شوند (مصفا، ۱۳۷۳: ۳۷۳).

تولیدی کردن زنان (مشارکت در فرایندهای اقتصادی شامل تولید کالا)

رهیافت تولیدی کردن زنان در این بخش بر این موضوع تأکید می کند به جای آنکه زنان به عنوان تماشاچی منفعل در استراتژی های توسعه مورد نظر قرار گیرند، به عنوان کارگزارانی فعال در این پروژه مورد توجه واقع شوند. از این دیدگاه، تلاش می شود ظرفیت ها و مهارت های زنان ارتقا یابد تا آنها بتوانند از شرایط یک زندگی مستقل برخوردار شوند. عنصر مهم در اینجا این است که دولت باید بکوشد شرایط دستیابی زنان به سرمایه، دانش، اعتبارها و طرح های بیمه را فراهم آورد. در واقع دولت باید تلاش کند دانش و مهارت زنان را در ارتباط با تولید و فعالیت های تجاری بالا ببرد. از این نظر ظرفیت سازی بسیار مهم است که باید توسط دولت انجام شود (پرویز، ۱۳۶۸، ص ۷۵).

جدول شماره ۱- میزان مهارت های افراد مورد پرسش قرار گرفته

نوع مهارت	مهارت صنعتی	مهارت در کشاورزی	مهارت در دامداری	بدون مهارت
زنان بی سواد	۵ درصد	۱۸/۱ درصد	۳۷/۳ درصد	۴۵/۴ درصد
زنان با تحصیلات ابتدایی	-	-	-	-
زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر	۱۹/۴ درصد	۳۲/۷ درصد	۲۵ درصد	۲۰/۴ درصد

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

شاخص عمومی تولیدی کردن زنان، شامل شاخص های خاص مهارت صنعتی، مهارت در کشاورزی و دامداری، پس انداز کردن، توانایی محاسبه سود و هزینه و چگونگی تأمین اعتبار است. نتایج حاصله در این زمینه نشان می دهد میزان مهارت صنعتی در زنان بی سواد کمتر از ۵ درصد، در زنان با تحصیلات ابتدایی با کمی چشم پوشی همین میزان و در زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۱۹/۴ درصد است. لازم به اشاره است که به همین ترتیب میزان مهارت در کشاورزی نزد زنان بی سواد ۱۸/۱ درصد،

نزد زنان با تحصیلات ابتدایی نیز به همین ترتیب و در زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۳۲/۷ درصد است. میزان مهارت در دامداری در زنان بی سواد ۳۷/۳ درصد، در زنان با تحصیلات ابتدایی تقریباً همین میزان و در زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۲۵ درصد است. باید یادآوری کنیم که افراد بدون مهارت در میان زنان بی سواد حدود ۴۵/۳ درصد، در افراد با تحصیلات ابتدایی به همین میزان و در افراد با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۲۰/۴ درصد است.

جدول شماره ۲ - مهارت هایی مانند پس انداز کردن، توانایی محاسبه سود و هزینه و چگونگی تأمین اعتبار و هزینه

ها

نوع مهارت	چگونه پس انداز کردن	توانایی محاسبه سود و هزینه	چگونگی تأمین اعتبارها و سرمایه
زنان بی سواد	۱۱ درصد	۴۵ درصد	۹ درصد
زنان با تحصیلات ابتدایی	۱۵ درصد	۶۰ درصد	۱۷ درصد
زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر	۵۳ درصد	۹۱ درصد	۶۷ درصد

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

آزمون فرضیه نشان می دهد که هرچه زنان از آموزش و تحصیلات بالاتری برخوردار شوند، می توانند نقش موثرتری در توسعه روستایی برعهده گیرند. برای نمونه، در حالیکه میزان مهارت صنعتی افراد بی سواد حدود ۵ درصد است، این میزان در افراد با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۱۹/۴ درصد و به همین ترتیب در حالیکه میزان افراد فاقد مهارت نزد زنان بی سواد ۴۵/۴ درصد است، این میزان نزد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر ۲۰/۴ درصد است. در زمینه شاخص هایی همچون چگونه پس انداز کردن، توانایی محاسبه سود و هزینه، و چگونگی تأمین اعتبارات و سرمایه، آمار زیر به دست آمده است. ۱۱ درصد زنان بی سواد، ۱۵ درصد زنان با تحصیلات ابتدایی و ۵۳ درصد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر، دارای توانایی چگونه پس انداز کردن هستند. توانایی محاسبه سود و هزینه نزد زنان بی سواد ۴۵ درصد، زنان دارای تحصیلات ابتدایی ۶۰ درصد و نزد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۹۱ درصد و این در حالی است که ۹ درصد زنان بی سواد، ۱۷ درصد زنان با تحصیلات ابتدایی و ۶۷ درصد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر، از توانایی چگونگی تأمین اعتبارها و سرمایه برای پروژه های عمرانی برخوردار بودند. همان گونه که آمارها نشان می دهد هرچه زنان از میزان آموزش و سواد بیشتری برخوردار شوند، توانایی آنها در مهارت هایی مانند چگونه پس انداز کردن، توانایی محاسبه سود و زیان و چگونگی تأمین اعتبار و سرمایه بالاتر می رود. به واقع هرچه زنان مولدتر باشند توانایی آنها در موارد فوق بیشتر می شود و می توانند نقش بیشتری را در توسعه روستایی در سراسر کشور ایفا کنند.

یافته های پژوهش در زمینه نقش و مشارکت زنان در فرایندهای سیاسی

نوسازی سیاسی دربرگیرنده تغییرهایی در ساختار سیاسی، فرهنگ سیاسی و روندهای سیاسی است. این امر، مستلزم جامعه پذیری، تربیت و پرورش افراد به گونه ای است که اعضای توانمند جامعه، سیاسی شوند. در صورت مشارکت همه اقشار جامعه است که زمینه های لازم برای شکوفایی استعدادهای نهفته و بهره گیری از امکانات مادی، انسانی و فرهنگی جامعه فراهم می شود. برای دستیابی به این هدف، جلب، پیوند و مشارکت توده ها در روند توسعه پایدار، به توسعه سیاسی هم نیازمند است. جنبه سیاسی تواناسازی و قدرت بخشیدن به زنان در فرایند توسعه، به شرکت آنها در فرایندهای سیاسی جامعه مربوط است. از نظر تاریخی، زنان مشارکت کننده واقعی در صحنه سیاسی کشورها نبوده و نیستند. سیاست بیش از هر زمینه دیگری، به خاطر وجود قدرت و اقتدار همواره به طور انحصاری در اختیار مردان بوده است (مصفا، ۱۳۷۳: ۳۷۵).

مشارکت سیاسی زنان مقدمه ای برای شرکت در فرایند تصمیم گیری و راهی به سوی همبستگی بیشتر جامعه و تغییر در چگونگی زندگی عمومی آن است. زنان نیمی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند و باید به نسبت جمعیت خود در سیاست حضور داشته باشند تا اعمال واقعی اراده مردم به وجود آید. حضور نداشتن زنان در عرصه سیاسی می تواند مشروعیت نظام سیاسی را زیر سؤال ببرد. در واقع مشارکت سیاسی زنان عاملی مهم در توانمندسازی زنان است و به درک آنان از زندگی اجتماعی کمک می کند و آنها را به عناصر بهتری در خدمت به جامعه تبدیل می کند. آنچه در این راستا مهم است مشارکت سیاسی معنادار است که خود شامل حضور آگاهانه در فرایندهای سیاسی، مانند انتخابات و نیز تشکل های مختلف اجتماعی است. پس شاخص این بخش، حضور در انتخابات و فرایندهای سیاسی است.

جدول شماره ۳- افرادی که رای دادند، دلایل رای دادن و رای ندادن آنان

همه افراد واجد شرایط در خانواده رای دادند	به همراه خانواده و دوستان به این نتیجه رسیدم	خودم به این نتیجه رسیدم	افرادی که رای دادند	
۶۱/۵ درصد	۷۸ درصد	۲۱/۸ درصد	۴۳ درصد	زنان بی سواد
۵۴/۳ درصد	۵۷ درصد	۴۳ درصد	۷۲/۱ درصد	زنان با تحصیلات ابتدایی
۸۳ درصد	۱۵/۴ درصد	۸۴/۶ درصد	۷۸/۷ درصد	زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

جدول شماره ۴- افرادی که رای ندادند و دلایل رای ندادن

به همراه خانواده و دوستان به این نتیجه رسیدم	خودم به این نتیجه رسیدم	افرادی که رای ندادند	
۸۷ درصد	۱۳ درصد	۵۷ درصد	بی سواد

تحصیلات ابتدایی	۲۹ درصد	۱۷/۲ درصد	۸۳/۷ درصد
تحصیلات متوسطه و بالاتر	۲۲ درصد	۶۳/۲ درصد	۳۶/۸ درصد

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

همان گونه که داده های پژوهش نشان می دهد شمار افرادی که رأی دادند در میان زنان بی سواد ۴۳ درصد، زنان دارای تحصیلات ابتدایی ۷۱/۱ درصد و زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر ۷۸/۷ درصد است. در مورد دلایل رأی دادن در میان زنان بی سواد ۲۱/۸ درصد، زنان با تحصیلات ابتدایی ۴۳ درصد و زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر ۸۴/۶ درصد، گزینه خودم به این نتیجه رسیدم را انتخاب کردند. حدود ۷۸ درصد در میان زنان بی سواد، ۵۷ درصد در میان زنان با تحصیلات ابتدایی و ۱۵/۴ درصد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر اظهار کرده اند که به همراه خانواده و دوستان به این نتیجه رسیده اند. آمارهای فوق بیانگر آن است که هرچه به میزان تحصیلات و آموزش زنان افزوده می شود، میزان مشارکت سیاسی مستقل آنها در فرایندهای سیاسی بالاتر می رود و استقلال آنها برای رأی دادن بیشتر می شود.

داده های جدول شماره ۴ بیانگر آن است که ۵۷ درصد زنان بی سواد، ۲۹ درصد زنان با تحصیلات ابتدایی و ۲۲ درصد زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر رأی نداده اند. در مورد علت رأی ندادن، ۱۳ درصد زنان بی سواد، ۱۷/۲ درصد زنان دارای تحصیلات ابتدایی، و ۶۳ درصد زنان صاحب تحصیلات متوسطه و بالاتر، گزینه خودم به این نتیجه رسیدم را انتخاب کرده اند. حدود ۷۸ درصد در میان زنان بی سواد، ۸۳/۷ درصد زنان دارای تحصیلات ابتدایی و ۳۶/۸ درصد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر به جمله همراه با خانواده و دوستان به این نتیجه رسیدم، اشاره داشته اند. از یافته های فوق این نتیجه به دست می آید که رابطه ای مستقیم در میان سطح آموزش و مشارکت سیاسی زنان در فرایندهای قانونی وجود دارد. هر قدر بر میزان مشارکت آگاهانه آنها افزوده شود، کمتر تحت تاثیر فضا و محیط پیرامون خود قرار می گیرند و بر استقلال آنها در این گونه فرایندها افزوده می شود.

فعال اجتماعی

زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی در روستاها نیز، برای برخورداری از حقوق انسانی باید در برنامه های توسعه، به ویژه توسعه روستایی مشارکت داشته باشند، تا از نتایج آن بهرمنند شوند. اما واقعیت غیر از این است، زیرا زنان با وجود مشارکت های گوناگون در روستا، از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. در مورد فعالیت های اجتماعی زنان در روستاهای مورد بررسی، این داده ها به دست آمده است. به جدول زیر نگاه کنید.

جدول شماره ۵- آگاهی از وجود تشکل در روستا؟ عضو هستم یا خیر؟

از وجود تشکل در روستا آگاهی دارم یا نه	عضو هستم	عضو نیستم
--	----------	-----------

		خیر	آری	
بی سوادها	۵۱ درصد	۴۹ درصد	۳۲/۱ درصد	۶۸/۹ درصد
زنان دارای تحصیلات ابتدایی	۵۳ درصد	۴۷ درصد	۴۶ درصد	۵۴ درصد
زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر	۸۱ درصد	۱۹ درصد	۵۴/۲ درصد	۵۴/۸ درصد

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

جدول فوق که به موضوع وجود تشکل در روستا و اینکه زنان عضو هستند یا خیر، پرداخته است، نشان می دهد که ۵۱ درصد زنان بی سواد، ۵۳ درصد با تحصیلات ابتدایی و ۸۱ درصد با تحصیلات متوسطه و بالاتر، از وجود تشکل در روستا آگاه بوده اند. این درحالی است که حدود ۴۹ درصد زنان بی سواد، ۴۷ درصد با تحصیلات ابتدایی و حدود ۱۹ درصد دارای تحصیلات متوسطه، از وجود تشکل در روستا اظهار بی اطلاعی کرده اند. ۳۲/۱ درصد زنان بی سواد، ۴۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۲۲ درصد با تحصیلات متوسطه و بالاتر اظهار کرده اند که عضو تشکل های روستایی هستند. این در حالی است که ۶۸ درصد زنان بی سواد، ۵۴ درصد زنان دارای تحصیلات ابتدایی و ۴۵/۸ درصد با تحصیلات متوسطه و بالاتر عضو هیچ تشکلی در روستای خویش نیستند.

جدول شماره ۶ - نقش اصلی زنان

	نقش اصلی زن فعالیت در خانه است	نقش اصلی زن فعالیت در اجتماع است
زنان باسواد	۷۸/۷ درصد	۲۱/۳ درصد
زنان با تحصیلات ابتدایی	۶۵/۳ درصد	۳۴/۷ درصد
زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر	۳۲/۱ درصد	۶۷/۹ درصد

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

تحلیل یافته های مربوط به نقش زنان، بیانگر آن است که حدود ۷۸/۷ درصد زنان بی سواد، ۶۵/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۳۲/۱ درصد دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر نقش اصلی زن را فعالیت در خانه دانسته اند. این درحالی است که ۲۱/۳ درصد زنان بی سواد، ۳۴/۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۶۷/۹ درصد دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر، نقش اصلی زنان را فعالیت در اجتماع می دانند.

جدول شماره ۷ - دسترسی به رسانه های جمعی

	تلویزیون	رادیو	مجلات	مطبوعات	اینترنت	میزان استفاده از رادیو و تلویزیون
زنان بی سواد	۱۰۰ درصد	۸۵ درصد	-	-	-	۴/۵

زنان با تحصیلات ابتدایی	۱۰۰ درصد	۸۲/۱	-	-	-	۴
زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر	۱۰۰ درصد	۸۷	۹/۸ درصد	۱۱/۲ درصد	۷/۸ درصد	۹

منبع: داده های پژوهش (داده های میدانی)

جدول تحلیل یافته های مربوط به رسانه های جمعی، نشان دهنده آن است که همه زنان از سه گروه تحصیلی به تلویزیون دسترسی کامل دارند. در حالی که، ۸۵ درصد زنان بی سواد، ۸۲/۱ درصد با تحصیلات ابتدایی و ۸۷ درصد دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر به رادیو دسترسی دارند. این در حالی است که زنان بی سواد و با تحصیلات ابتدایی به مجلات، مطبوعات و اینترنت دسترسی ندارند و میزان دسترسی زنان دارای تحصیلات متوسط به بالا به مجلات ۹/۸ درصد، به مطبوعات ۱۱/۲ درصد و به اینترنت ۷/۸ درصد است. در مورد میزان استفاده از رادیو و تلویزیون در شبانه روز، در حالی که زنان بی سواد و زنان دارای تحصیلات ابتدایی روزانه حدود ۴ ساعت به تماشای تلویزیون می نشینند، زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۹ ساعت در شبانه روز از رادیو و تلویزیون استفاده می کنند.

میزان مطالعه گروه دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۴ تا ۵ ساعت در شبانه روز است. بنابراین، می توان ادعا کرد که هرچه زنان باسوادتر باشند، به عبارت دیگر دارای تحصیلات بیشتری باشند، بر میزان نقش اجتماعی آنها افزوده خواهد شد. این بررسی نشان می دهد با بالا رفتن سواد و میزان آموزش و تحصیلات بر میزان استفاده از رسانه های جمعی هم افزوده خواهد شد. می توان ادعا کرد که زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر نقش بیشتری در توسعه روستا می توانند داشته باشند.

نتیجه و پیشنهادها

به این ترتیب، با توجه به اطلاعات ارائه شده، در این مطالعه نتایج زیر به دست آمده است:

- هرچه بر میزان توانمندی زنان افزوده می شود، نقش آنها در توسعه روستایی موثرتر می شود، یعنی هرچه بر نقش تولیدی، سیاسی، و اجتماعی زنان در روستاها افزوده شود، بر میزان مشارکت زنان در توسعه روستایی در کنار مردان افزوده می شود. بنابراین رابطه ای مثبت بین متغیر مستقل یعنی توانمندی زنان و متغیر وابسته توسعه روستایی وجود دارد.

- در مورد شاخص اول متغیر مستقل یعنی تولیدی کردن زنان (شرکت در فرایند تولید کالا) و نقش آنان در توسعه روستایی، روشن شد هرچه زنان از تحصیلات بالاتری برخوردار شوند، بر میزان فعالیت آنها در امور دامداری، البته به شکل سنتی آن کاسته می شود و بر فعالیت های صنعتی آنها افزوده می شود (در حالیکه فعالیت صنعتی زنان بی سواد ۵ درصد است، این میزان نزد زنان با تحصیلات متوسطه و بالاتر به ۱۹/۴ درصد می رسد).

- همچنین، در حالی که توانایی چگونه پس انداز کردن در میان زنان بی سواد ۱۱ درصد است، میزان آن نزد زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۵۳ درصد است.

- میزان سود و هزینه کردن در میان زنان بی سواد ۴۵ درصد است، ولی این میزان برای زنان دارای تحصیلات ابتدایی حدود ۶۰ درصد و نزد زنان صاحب تحصیلات متوسطه و بالاتر به ۹۱ درصد می رسد.

- در مورد چگونگی تأمین اعتبار و سرمایه، در حالی که این آمار نزد زنان بی سواد ۹ درصد است، برای زنان دارای تحصیلات ابتدایی ۱۷ درصد و نزد زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر به ۶۷ درصد می رسد.

به همین ترتیب در مورد شاخص دوم یعنی مشارکت آگاهانه زنان و نقش آن در توسعه روستایی نیز این رابطه مثبت به نظر می رسد:

- درحالیکه میزان خود اکتایی نزد زنان بی سواد حدود ۲۱/۸ درصد است، این میزان برای زنان دارای تحصیلات ابتدایی ۴۳ درصد و دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر به حدود ۸۴/۶ می رسد.

- میزان رأی دهندگان در گروه بی سواد ۵۷ درصد است، در حالی که این میزان نزد گروه دارای تحصیلات ابتدایی به ۲۹ درصد و برای گروه صاحب تحصیلات ابتدایی ۲۳ درصد است.

در مورد شاخص سوم متغیر مستقل یعنی میزان فعالیت اجتماعی و نقش آن در توسعه روستایی نیز این رابطه مثبت به نظر می رسد:

- درحالی که میزان کسانی که از وجود تشکل ها در روستای خویش آگاه هستند، در گروه بی سواد حدود ۵۱ درصد، و در گروه دارای تحصیلات ابتدایی ۵۳ درصد و در میان زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر حدود ۸۱ درصد است.

- در مورد این که عضو تشکل های موجود در روستای خویش هستیم، ۳۲/۱ درصد زنان بی سواد، ۴۶ درصد زنان دارای تحصیلات ابتدایی و ۵۴/۲ درصد زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر اعلام کرده اند عضو تشکل های روستایی هستند.

- در مورد شاخص ویژه، نقش اصلی زن فعالیت در خانه است یا در اجتماع؟ هر قدر بر میزان سواد و آموزش زنان افزوده می شود، تمایل به گزینه میزان فعالیت در خانه، در برابر فعالیت در اجتماع افزایش می یابد (درحالیکه ۲۱/۳ درصد زنان بی سواد به گزینه نقش اصلی زن فعالیت در خانه است، رای داده اند، این میزان نزد زنان دارای تحصیلات ابتدایی به ۳۴/۷ درصد و در میان زنان دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر به ۶۹/۹ درصد می رسد).

همان گونه که داده های حاصل از این پژوهش نشان می دهد باید در برنامه های توسعه روستایی، برای زنان نسبت به گذشته نقش و سهم بیشتری را در نظر گرفت تا آنان بتوانند در آینده نه چندان دور، خود را به عنوان یکی از دو ستون اصلی توسعه در روستا همراه با مردان و به صورت برابر مطرح کنند. این مهم، به کمک آموزش و پرورش زنان، که در پرتو سیاست گذاری های

دولتی باید مورد توجه قرار گیرد، تحقق می یابد. به همین دلیل، توسعه روستایی بدون آموزش و پذیرفتن نقش برابر زنان و مردان امکان پذیر نیست. پس کارگزاران توسعه باید اولویت های زیر را در دستور کار خویش قرار دهند:

- خاص گرایی در نواحی روستایی: بدین معنی که دولت و کارگزاران توسعه، اولویت ویژه ای را برای نواحی روستایی به طور عام و زنان به طور خاص در برنامه های توسعه قائل شوند و کم توجهی گذشته در برنامه های توسعه روستایی نسبت به زنان را جبران کنند.

- از میان بردن دوگانگی در برنامه های آموزشی، رفاهی، فرهنگی و اجتماعی زنان روستایی نسبت به شهرها، آنچه مشخص می شود، این است که زنان شهری در برنامه های توسعه نسبت به زنان روستایی از اولویت آشکاری برخوردارند. به همین جهت، دولت و کارگزاران توسعه باید تلاش کنند، در این برنامه نسبت به زنان روستایی در مقایسه با گذشته توجه و تمرکز داشته باشند. حضور مداوم زنان در عرصه های گوناگون توسعه باید مورد حمایت بیشتر واقع شود. زنان باید به طور هم زمان، هم در عرصه نظری و هم در عرصه های عملی نقش فعال تری را در جامعه برعهده بگیرند. برای دستیابی به اهداف توسعه محو تبعیض های قانونی ضروری است. ضروری است در این زمینه سیاست گذاری های متناسب با وضعیت فرهنگی جامعه، عضویت در تشکل ها و گروه ها برای بیان خواسته ها، خلق و گسترش سازوکارهای ساختاری مناسب برای ارتباط زنان با نظام سیاسی و استفاده از زنان در وضعیت تصمیم گیری در مرحله آخر مورد توجه قرار گیرد.

منابع:

الف: کتاب های فارسی

- ۱- گیلپین، رابرت (۱۳۸۷)، *اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین الملل*، مترجمان، مهدی میرمحمدی، محمود یزدان فام، علی رضا خسروی، محمد جمشیدی، تهران: تدبیر اقتصاد.
- ۲- کولایی، الهه و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۵)، *نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- ی. سوی، الوین (۱۳۸۱)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، مترجم، محمود حبیبی مظاهری، تهران: مطالعات راهبردی.
- ۴- علوی، پرویز (۱۳۶۸)، *ارتباطات سیاسی؛ ارتباط توسعه و مشارکت سیاسی*، تهران: علوم نوین.
- ۵- مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، *در هزارتوهای نظم جهانی، گفتارهایی در مسائل کنونی توسعه سیاسی و اقتصادی*، تهران: نشر نی.

مقالات فارسی:

- ۱- شیرخانی، محمد علی (۱۳۸۱)، "یکپارچه شدن جهانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه"، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)*، شماره ۵۷، صص ۱۵۳-۱۷۴.

- ۲- علی بیگی، امیر حسین و زرافشانی، کیومرث (۱۳۸۴)، "تحلیل جنسیتی فعالیت های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه هایی برای عاملان توسعه اقتصادی"، مطالعات زنان، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۸۹-۱۱۱
- ۳- دادورخانی، فضیله (بهار ۱۳۸۵)، "توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان"، پژوهش های جغرافیایی، دوره سی و هشتم، شماره ۵۵، صص ۱۷۱-۱۸۷
- ۴- بوذرجمهری، خدیجه (پاییز ۱۳۸۵)، "دانش کشاورزی بومی جنسیتی و نقش آن در توسعه روستایی"، پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۴
- ۵- سام آرام، عزت الله (بهار ۱۳۸۶)، "بهره مندی روستاییان از مطبوعات و نقش آن در توسعه روستایی"، مجله روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۷۷.
- ۶- شکوری، علی (اسفند ۱۳۸۰)، "پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی"، پژوهش های جغرافیایی، سال سی و نهم، شماره ۴۱، صص ۸۷-۱۰۳.
- ۷- ویسی، هادی، و بادسار، محمد (زمستان ۱۳۸۴)، "بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی"، مطالعه موردی استان کردستان، مجله روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۴، صص ۱۹-۴۴
- ۸- محمدی اصل، عباس (بهار ۱۳۸۳)، "موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب، رفاه اجتماعی"، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۹۳-۱۳۰.
- ۹- وثوقی، منصوره و منصوره یوسفی آقابین (بهار ۱۳۸۴)، "پژوهش های جامعه شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی"، روستای آغکند، دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۲۵، صص ۱۹۵-۲۲۴
- ۱۰- مصفا، نسرين (پاییز ۱۳۷۳)، "نقش مشارکت سیاسی در توانمند سازی زنان"، سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۳۰۳-۳۲۵.

English:

- ۱- Criukshank, Barbara (۱۹۹۱), *the Will to Empower: Technologies to Citizenship and the War on poverty*, *Socialist Review*, Vol.۲۳, No.۴.
- ۲- Ferguson, K.E (۱۹۶۷), *Male Ordered Politics: Feminism and Political Science, in Idioms of Inquiry: Critique and Renewal in Political Science*, Edited by T. Bal. Albany: State University of New York Press.
- ۳- Detuch. K.W (۱۹۹۹), *Social Mobilization and Political Development*, *American Political Science Review*, Vol. IV, No. ۳

۴- Rouyer. A (۱۹۸۷), *Political Capacity and the Decline of Fertility in India*, American Political Science Review, Vol. ۵, No.۲

